

## حکومت محمد داوود خان در افغانستان (۱۹۷۸-۱۹۷۳م/۱۳۵۷- ۱۳۵۲ش) و سیاست ایران در قبال او در این دوره تاریخی

زهرا لطفی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۹۲/۷/۲۸

تاریخ پذیرش: ۹۲/۹/۹

### چکیده:

محمد داوود خان در اثر یک کودتای نظامی و با کمک نظامیان حزب پرچم در ۱۳۵۳ش/۱۹۷۳م، قدرت سیاسی را بدست گرفت. حضور نظامیان پرچمی در کودتای محمد داوود خان باعث گسترش نفوذ عناصر چپ در حکومت تازه تاسیس محمد داوود خان شد. تاسیس یک حکومت چپ‌گرا با نارضایتی عناصر سنتی قدرت، سلطنت طلب‌ها و اسلام‌گراها روبرو شد. محمد داوود خان پس از تثبیت قدرت با توسعه روابط با کشورهای منطقه و در راس آن ایران، در عرصه سیاست خارجی به جانب بلوک غرب گرایش یافت. مساله اصلی در این مقاله، بررسی تأثیرات روابط ایران با افغانستان بر حکومت محمد داوود خان، در این کشور است. محمد داوود خان پس از برقراری روابط با ایران و دیگر کشورهای متحد با بلوک غرب، با نادیده انگاشتن قدرت نیروهای چپ که در این زمان به طور قابل ملاحظه‌ای رشد یافته بودند، به سرکوب و حذف آنان از صحنه سیاسی افغانستان پرداخت. بنابراین به این دلیل که محمد داوود خان نتوانست در داخل کشور خود به یک توازن معقول در میان گروه‌های سیاسی دست یابد، حزب دموکراتیک خلق با استفاده از نفوذ گسترده در ارتش این کشور در ۷ اردیبهشت (ثور) ۱۳۵۷ش/۲۷ آوریل ۱۹۷۸م، با کودتا بر علیه محمد داوود خان، افغانستان را وارد یک عصر پراز فراز و نشیب نمود.

مقاله حاضر با اتکا به شیوه تاریخی و با استفاده از کلیه منابع منتشر شده و آرشیوی در افغانستان و ایران و نیز بهره‌گیری از اسناد کی‌جی‌بی نوشته شده است.

### واژگان کلیدی:

افغانستان، ایران، محمد داوود خان، محمد رضا پهلوی، حزب دموکراتیک خلق افغانستان.

## مقدمه

محمد داوود خان فرزند محمد عزیز (یکی از برادران محمدنادر شاه) در ۱۳۸۸ ش/ ۱۹۰۹ م در کابل متولد شد. وی پس از تحصیلات ابتدایی، جهت ادامه تحصیل در مقطع متوسطه، به فرانسه رفت، اما پیش از اتمام تحصیلات به کشور بازگشت، او یک ماه در اردوی نظامی آموزش دید و سپس وارد بدنه حکومت شد و به مقام‌های متعددی دست یافت؛ والی و فرمانده نظامی ولایت شرقی (۱۳۱۳ ش/ ۱۹۳۴ م) والی قندهار (۱۳۱۴ ش/ ۱۹۳۵ م)، فرمانده قوای مرکز در کابل (۱۳۲۶-۱۳۱۸ ش/ ۱۳۴۷-۱۳۳۹ م) وزیر دفاع (۱۳۲۵ ش/ ۱۹۴۶ م)، وزیر داخله (۱۳۲۸-۱۳۲۹ ش/ ۵۰-۱۹۴۹ م) و بالاخره مقام صدارت (۱۳۴۱-۱۳۳۲ ش/ ۱۹۶۲-۱۹۵۳ م).<sup>۱</sup>

در دوران صدارت (۱۳۴۱-۱۳۳۲ ش/ ۱۹۶۲-۱۹۵۳ م)، توجه به مسأله پشتونستان ۲ و بحرانی شدن روابط با پاکستان، باعث استعفاء محمد داوود خان از مقامش شد. مسدود شدن روابط پاکستان و افغانستان با تلاش‌های شاه ایران به حالت عادی بازگشت. ۳ محمد ظاهر شاه پس از استعفای محمد داوود خان، فرمان اعطای آزادی‌های محدودی را به جامعه صادر کرد. ظاهر شاه که در سه دهه گذشته از حکومتش عملاً اختیاری نداشت، اکنون که به دوران میان‌سال از عمرش رسیده بود، تصمیم گرفت تا عنان حکومت را این بار خود بدست گیرد. ظاهر شاه

۱. لودویک دبلیو آدامک، دانشنامه تاریخی افغانستان، ترجمه سید محمد علی رضوانی و محمد تقی منافی (کابل: مطبعه بلخ، ۱۳۸۸)، ص ۲۵۹.

۲. موضوع پشتونستان از دهه ۱۳۳۰ ش/ ۱۹۵۰ م، پس از استقلال پاکستان و هند از بریتانیا شکل گرفت. پشتونستان شامل مناطقی از ایالات سرحدی افغانستان و بخش‌هایی از ایالت بلوچستان پاکستان است، مناطقی که اکثر اساکین آن را پشتون‌ها تشکیل می‌دهند. این مناطق که در ابتدا جزئی از قلمرو افغانستان به شمار می‌رفت، طبق معاهده دیورند (۱۲۶۲ ش/ ۱۸۸۳ م) افغانستان از ادعای مالکیت بر آن مناطق برای همیشه چشم‌پوشی کرد؛ زیرا این ولایت‌ها در گذشته با حملات سبک‌ها از افغانستان جدا شده بود. در ۱۳۲۶ ش/ ۱۹۴۷ م که به پاکستان استقلال سیاسی اعطاء شد، پشتون‌های افغانستان خواهان لغو معاهده دیورند و الحاق دوباره مناطق از دست رفته‌شان به این کشور شدند و یا حداقل انتظار داشتند که به مناطق پشتون‌نشین شمال پاکستان خودمختاری اعطاء شود؛ اما در اثر فراندومی که دولت پاکستان در این مناطق برقرار کرد، ۶۸ درصد رای‌دهندگان الحاق به پاکستان را پذیرفتند. دولت افغانستان این فراندوم را محکوم کرد و معاهده دیورند را نیز به رسمیت نشناخت و در سازمان ملل متحد علیه تشکیل کشور پاکستان رای داد و موضوع پشتونستان را نیز مطرح کرد که با استقبال روبرو نشد. بعد از آن روابط افغانستان با پاکستان همواره تحت تاثیر مسأله پشتونستان قرار گرفت و دولت افغانستان با حمایت از ناسیونالیست‌های پشتون در مقاطع زمانی مختلف باعث واکنش منفی پاکستان جهت تلافی کردن از این قضیه شده است. مسدود کردن مقطعی مرزهای پاکستان به روی افغانستان و یا حمایت از نیروهای مخالف دولت افغانستان از جمله سیاست‌های تلافی‌جویانه پاکستان در قبال مسئله پشتونستان بوده است. همان، ص ۷۲.

۳. محمد علم فیض‌زاد، جرگه‌های بزرگ ملی افغانستان (لوی جرگه‌ها) (لاهور: بی‌نا، ۱۳۶۸)، ص ۲۲۰.

که متوجه تغییرات ساختاری اقشار مختلف جامعه بویژه روشنفکران شده بود، با اعطاء آزادی‌های بیشتر به جامعه موافقت کرد. آزادی‌هایی که با اصلاحات جدیدی در حوزه سیاست همراه شد. در تدوین و تصویب قانون اساسی جدید ۱۳۴۳ ش/ ۱۹۶۴ م، اعتراض نمایندگان مردم به حکومت انحصارطلبانه خاندان شاهی که در طول تاریخ گذشته مقام‌های ارشد حکومتی را از آن خود کرده بودند، باعث گنجاندن ماده بیست و چهارم در قانون اساسی جدید شد که مطابق با آن خاندان شاهی حق احراز مقام‌های ارشد سیاسی را نداشتند.<sup>۵</sup>

تحولات منطقه‌ای و جهانی پس از جنگ جهانی دوم، افغانستان را بیش از گذشته تحت نفوذ شوروی قرار داد. با استقلال هند از بریتانیا و خروج این کشور از منطقه، آمریکا جایگزین بریتانیا در حوزه خاورمیانه گردید. گسترش مناسبات اقتصادی، سیاسی و نظامی آمریکا با پاکستان موجب نزدیک تر شدن افغانستان به شوروی گردید. از طرفی با گسترش نفوذ و روابط آمریکا با کشورهای منطقه خاورمیانه بر میزان نفوذ شوروی و فعالیت احزاب چپ وابسته به این کشور در افغانستان افزوده می‌شد. در دهه ۱۳۵۰ ش/ ۱۹۷۰ م، با توجه به دکترین نیکسون، عدم برخورد مستقیم با روسیه، ایران نماینده آمریکا در منطقه گردید. ایران که در عرصه تسلیحات نظامی و نظامی‌گری در حال توسعه و پیشرفت بود و از طرفی در برقراری مناسبات و روابط دیپلماتیک با کشورهای منطقه بویژه عربستان و پاکستان موفقانه عمل کرده بود، به عنوان ژاندارم منطقه از سوی آمریکا مورد حمایت و پشتیبانی قرار گرفت. از اواسط دهه ۱۳۵۰ ش/ ۱۹۷۰ م، افزایش بهای نفت، باعث گردید تا این کشور در ایفای نقش منطقه‌ای خود، بسیار فعالانه‌تر از گذشته عمل کند.<sup>۷</sup> گسترش مناسبات سیاسی و اقتصادی با افغانستان به منظور مانع شدن از توسعه و تداوم نفوذ شوروی و احزاب چپ در این کشور با چنین رویکردی همراه بود که در دوره حکومت جمهوری محمد داوود خان از سوی سیاستمداران ایران مورد توجه و

۴. محمد علم فیض‌زاد، جرگه‌های بزرگ ملی افغانستان (لوی جرگه‌ها)، ص ۲۳۶.

۵. مطابق با ماده بیست و چهارم قانون اساسی ۱۳۴۳: «اعضای خانواده پادشاهی در احزاب سیاسی شمولیت نمی‌ورزند و وظایف آتی را اجرا نمی‌کنند.

۱- صدارت عظمی یا وزارت ۲- عضویت شورا ۳- عضویت ستره محکمه» همان، ص ۲۵۳.

۶. اریک هابسبام، عصر نهایت‌ها: تاریخ جهان ۱۹۱۴-۱۹۹۱، ترجمه حسن مرتضوی، چ (تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۸۸)، ص ۳۱۹.

۷. مرکز اسناد وزارت خارجه ایران، کارتن ۳۷۳، پرونده ۸۲، سند ۱۵۷، گزارشات سالیانه ۱۳۵۳.

متروخین بر اساس اسنادی که در آرشیو مطالعه کرده بود پنج کتاب و یک رساله هم نوشت. رساله وی با نام کی جی بی در افغانستان دست نوشته ای بود که پس از ترجمه به انگلیسی از جانب مرکز بین المللی وودرو ویلسن برای مطالعه دانشمندان ۲ در ۱۳۸۱ ش/۲۰۰۲م، به نشر رسید. این رساله در ۱۵ قسمت فعالیت های کی جی بی در افغانستان را در سال های ۱۳۶۲-۱۳۵۷ ش/۱۹۸۳-۱۹۷۸م، نشان می دهد. روابط پنهانی مسئولان کی جی بی با سران حزب دموکراتیک خلق که از زمان تاسیس این حزب ۱۳۴۳ ش/۱۹۶۴م، بیشتر شده است به همراه تحلیل هایی که این افراد از اوضاع افغانستان به مسئولان خود انتقال می دادند که در این مقاله از اطلاعات مربوط به سال های حکومت محمد داوود خان ۱۳۵۷-۱۳۵۳ ش/۱۹۷۸-۱۹۷۳م، استفاده شده است. با فروپاشی حکومت خلقی ها (۱۳۷۲ ش/۱۹۹۳م)، تعدادی از اعضاء خلق و پرچم اقدام به نوشتن وقایع و رویدادهایی کردند که خود از شاهان عینی و عاملان مهم آن بودند. در این مقاله از کتاب های سه نویسنده حزبی استفاده شده است که معرفی می گردد. سلطانی کشتمند و دستگیر پنجشیری از موسسین حزب دموکراتیک خلق بودند، این دو شخصیت در دوران حکومت خلقی ها (۱۳۷۲-۱۳۵۷ ش/۱۹۷۸-۱۹۹۳م)، به مقامات عالی رتبه حکومتی دست یافتند. کشتمند به مقام صدراعظمی و پنجشیری به وزارت آموزش و پرورش (معارف)، ارتقا یافت. با سقوط حکومت خلقی ها بسیاری از اعضاء و مقامات حکومتی این حزب مجبور به مهاجرت از کشور شدند. در سال های هجرت، این دو فرد خاطرات خود از حزب را به رشته تحریر در آورده و به چاپ رساندند.

کشتمند در «یادداشت های سیاسی و رویدادهای تاریخی» و پنجشیری در «ظهور و زوال حزب دموکراتیک خلق افغانستان»، چگونگی شکل گیری، توسعه، قدرت یابی و دوران حکومت حزب را با توجه به خاطرات و حضورشان در وقایع و تحولات حزب به رشته

2 Woodrow Wilson International Center for Scholars.

3.-10 Vasily Mitrokhin, The KGB in Afghanistan, introduced and edited by Christian F. Ostermann and Odd Arne Westad, Washington, D.C: 2002, Cold War International History Project, pp. 1-2-3-4. <http://www.wilsoncenter.org/sites/default/files/WP40-english.pdf> ACCESSED 27/7/2011.

پیگیری قرار گرفت.

در این مقاله روند تاثیر روابط ایران و افغانستان بر حکومت محمد داوود خان مورد بررسی قرار می گیرد. گسترش روابط اقتصادی ایران و افغانستان که با اعزام هیئت های مختلف اقتصادی از جانب دو کشور مورد پیگیری قرار گرفت، با استقبال محمد داوود خان مواجه شد. محمد داوود خان جهت حذف و تضعیف عناصر چپ در داخل کشور، می بایست اقدام به کاهش روابط در عرصه خارجی با بلوک شرق و در راس آن شوروی می نمود. از اینرو توسعه روابط با کشورهای منطقه، بویژه ایران در حوزه اقتصادی برای محمد داوود خان امری کاملاً حیاتی بود.

در حوزه بررسی روابط ایران و افغانستان از دیدگاه روابط سیاسی، آثار متعدد علمی به چاپ رسیده است، اما این آثار هر چه به زمان معاصر و دهه های اخیر نزدیک می شود از تعدادشان کاسته می گردد. در سال های مورد نظر این تحقیق، دهه ۱۳۵۰ ش/ ۱۹۷۰م، به طور پراکنده و مختصر اطلاعات محدودی در منابع ایران و افغانستان در رابطه با نوع روابط سیاسی دو کشور اشاراتی موجود است، اما در زمینه تاثیر گسترش روابط ایران و افغانستان در حوزه اقتصادی بر حکومت محمد داوود خان، مطالب مبسوطی موجود نیست. بویژه آن که در این تحقیق تلاش شده است، میان سقوط حکومت محمد داوود خان و قدرت گیری حزب دموکراتیک خلق با گسترش روابط اقتصادی ایران و افغانستان ارتباط برقرار گردد.

این مقاله با اتکا به شیوه تاریخی و با استفاده از اسناد وزارت خارجه ایران در دهه ۱۳۵۰ ش/ ۱۹۷۰م، خاطرات نویسی های منتشر شده از اعضاء حزب دموکراتیک خلق و اسناد کی جی بی در افغانستان از واسیلی متروخین به رشته تحریر در آمده است.

در این مقاله از اسناد کی جی بی در افغانستان استفاده شده است. نویسنده این اسناد واسیلی متروخین ۱ است. او از مدیران ارشد بایگانی اسناد کی جی بی در شوروی بین سال های ۱۳۶۳-۱۳۵۱ ش/ ۱۹۸۴-۱۹۷۲م، بوده است. وی که در ۱۳۶۴ ش/ ۱۹۸۵م بازنشسته شد، توانسته بود تا آن زمان از ۲۵۰۰۰ سند کپی گرفته و آنها را پنهان کند. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی وی در ۱۳۷۱ ش/ ۱۹۹۲م، با سفری به استونیا اول به سفارت آمریکا و سپس به سفارت بریتانیا مراجعه می کند. بریتانیایی ها که به ارزش اسناد واسیلی متروخین پی برده بودند از او حمایت کردند و واسیلی متروخین با رفتن به بریتانیا اسناد پنهانی خود را فاش کرد. واسیلی

1. Vasily Mitrokhin

تحریر در آورده اند.

حزب دموکراتیک خلق از هنگام تاسیس، فعالیت در بخش نظامی را نیز آغاز کرد، توسعه فعالیت های حزبی در میان نظامیان که توسط شاخه نظامی حزب انجام می شد، به طور سری بود. زیرا که حکومت فعالیت های سیاسی را میان نظامیان ممنوع اعلام کرده بود. علاوه بر فعالیت های پنهانی حزب، نام اعضاء نظامی حزب نیز کاملاً پنهان می ماند. از اینرو امروزه اطلاعات از بخش نظامی حزب دموکراتیک خلق بسیار ناچیز و اندک می باشد. نبی عظیمی از اعضاء نظامی جناح پرچم بود، که در کودتای محمد داوودخان (۱۳۵۲ ش/ ۱۹۷۳ م)، همراه با سایر نظامیان پرچمی وی را یاری رساندند. نبی عظیمی در «اردو و سیاست»، تحولات سه دهه ای (از کودتای داوود تا سقوط حکومت خلقی ها) را که خود در آن از مقامات ارشد نظامی بوده (۱۳۷۲-۱۳۵۲ ش/ ۱۹۹۳-۱۹۷۳ م)، مورد بررسی قرار داده است.

در افغانستان یکی از منابع مهم رسمی که هر سال از جانب وزارت اطلاعات و فرهنگ منتشر می شود، «سالنامه افغانستان» (دافغانستان کالنی) نام دارد. در سالنامه فعالیت های دولت و وزارت خانه ها در یک سال کاری، سالی که گذشته است، به طور مختصر آورده می شود. در این مقاله از سالنامه شماره ۴۰، سال ۱۳۵۲ ش، که مربوط به اولین سال حکومت جمهوری داوود است، استفاده شده است. در این مقاله از اسناد وزارت امور خارجه ایران نیز استفاده شده است. بخشی از این اسناد گزارش های سفارت خانه های ایران در کابل و هرات در فاصله سال های ۱۳۵۷-۱۳۵۲ ش/ ۱۹۷۸-۱۹۷۳ م، را شامل می شود. این گزارش ها با موضوعات مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و غیره چگونگی اوضاع داخلی افغانستان را تشریح می کند. بخش دیگری از اسناد وزارت خارجه در کتابی با عنوان «معاهدات دو جانبه ایران با سایر دول» منتشر شده است، در قسمت افغانستان به مناسبات دو جانبه اقتصادی ایران و افغانستان در فاصله سال های ۱۳۵۷-۱۳۵۲ ش/ ۱۹۷۸-۱۹۷۳ م، می پردازد.

### کودتای محمد داوودخان

دهه دموکراسی (۱۳۵۲-۱۳۴۲ ش/ ۱۹۷۳-۱۹۶۳ م) ۱،

تجربه ای ناموفق در عرصه اصلاحات فرمایشی بود، چنانکه چپی ها از آن با عنوان دموکراسی تاجدار یاد می کردند. شکل گیری و گسترش موج اعتراضات جمعی در شهرها بویژه در کابل، عدم هماهنگی میان مجلس شورا (پارلمان) و دولت، عدم کاهش اختیارات شاهی، گسترش آگاهی های سیاسی طبقه روشنفکر و جامعه شهری، وابستگی نمایندگان سنتی مجلس شورا (پارلمان) که اکثریت مجلس شورا (پارلمان) را تشکیل می دادند، به مناسبات سنتی قدرت و شخص شاه، عملاً دهه دموکراسی را با تنش هایی روبرو کرد. در دهه دموکراسی پنج صدراعظم به روی کار آمدند، به جز محمد موسی شفیق که به دلیل کودتای محمد داوودخان از قدرت حذف شد، مابقی صدراعظم ها با استعفاء از مقام هایشان کناره گیری کردند. دهه دموکراسی با صدارت دکتر محمد یوسف آغاز شد. ظاهر شاه که در دهه چهارم حکومتش معتقد به اعمال تغییرات بنیادین در عرصه حکومت شده بود، شروع تغییرات را با انتخاب صدراعظمی از غیر خاندان شاهی آغاز کرد. سه صدراعظم گذشته ظاهر شاه؛ محمد هاشم خان (۱۳۲۵-۱۳۱۲ ش/ ۱۹۴۶-۱۹۳۳ م) ۲، محمود خان (۱۳۳۲-۱۳۲۵ ش/ ۱۹۵۳-۱۹۴۶ م) ۳ و محمد داوودخان (۱۳۴۱-۱۳۳۲ ش/ ۱۹۶۲-۱۹۵۳ م) ۴، به ترتیب دو عمو و پسر عموی او بودند. این رسم سنتی که طبق آن مقامات ارشد حکومتی در اختیار خاندان شاهی قرار می گرفت، یکی از موانع مهم در برابر ظاهر شاه بود که به او اجازه تصمیم گیری مستقلانه در عرصه حکومت را نمی داد. دکتر محمد یوسف (۱۳۴۳-۱۳۴۲ ش/ ۱۹۶۴-۱۹۶۳ م)، صدراعظم دوره انتقال به شمار می رفت، او وظیفه داشت که قانون اساسی جدید متناسب با اعمال آزادی های بیشتر در جامعه را تدوین و تصویب کند. با تصویب و توشیح قانون اساسی جدید (نهم مهر میزان) ۱۳۴۳ ش/ اول اکتبر ۱۹۶۴ م، ظاهر شاه برای بار دوم دکتر محمد یوسف را به مجلس شورا (پارلمان) جهت مقام صدارت معرفی کرد. دکتر محمد یوسف با آن که رای اعتماد بدست آورد، اما سه روز بعد (۱۳۴۳ ش/ ۲۹

۱. این دهه را به دهه دموکراسی معروف کرد. میر محمد صدیق فرهنگ، افغانستان در پنج قرن اخیر، ج ۲ (تهران: انتشارات عرفان، ۱۳۸۰)، ج ۲، ص ۸۲-۸۲۴.

۲. میر غلام محمد غبار، افغانستان در مسیر تاریخ (قم: دارالتفسیر، ۱۳۹۰)، ج ۳، ص ۲۲۳.

۳. همان، ص ۲۸۹.

۴. میر محمد صدیق فرهنگ، افغانستان در پنج قرن اخیر، ج ۲، ص ۷۰۹.

۵. میر محمد صدیق فرهنگ، افغانستان در پنج قرن اخیر، ج ۲، ص ۷۴۵-۷۴۴.

۱. دهه دموکراسی (۱۳۵۲-۱۳۴۲ ش/ ۱۹۷۳-۱۹۶۳ م)، ظاهر شاه در دهه چهارم حکومت خود، با اعطای آزادی های محدود به جامعه تغییراتی را در ساختار سنتی حاکمیت خاندانی اش بوجود آورد. تدوین و تصویب قانون اساسی جدید (۱۳۴۳ ش/ ۱۹۶۴ م)، انتخاب صدراعظم ها از غیر خاندان سلطنتی و غیره که باعث استقبال و امیدواری روشنفکران و تحصیل کرده گان به این تغییرات

محمد داوود خان با روشنفکران چپ‌گرا ارتباط برقرار کرد و نفوذ خود را میان نظامیان چپ‌گرا گسترش داد. محمد داوود خان جهت تغییر شرایط به نفع خود در میان دو گروه سنت‌گرای جامعه و روشنفکران اصلاح طلب، گروه دوم را برگزید. تغییر حکومت در کشور به راحتی امکان پذیر نبود، ظاهر شاه (۱۳۵۲-۱۳۱۲ ش/۱۹۷۳-۱۹۳۳ م) با اقدامات محافظه کارانه‌ای که انجام داد در ظاهر منافع هر دو گروه (سنت‌گرا و روشنفکران اصلاح طلب) رعایت شده بود. شعارهای اصلاح طلبانه در سرلوحه سیاست‌های حکومت قرار گرفت، اما در عمل منتفی می‌شد؛ قانون احزاب توشیح نشد، قانون جرایم غیردولتی اگر چه تصویب شد، اما جرایم خصوصی با کمترین انتقاد و یا دیدگاه‌های اصلاح طلبانه و نگرش‌های غیر مذهبی، مسدود و توقیف می‌شدند.

با آنکه صدراعظم‌ها از خاندان غیر شاهی و از طبقه روشنفکر جامعه بودند، اما اختیارات شان محدود بود. سیاست در ارکان سنتی خود باقی مانده بود؛ اما در ظاهر ادعای دموکراسی خواهی، آزادی و غیره می‌شد. محمد داوود خان با درک گسترش ناراضی‌های طبقه روشنفکر جامعه، بویژه چپ‌گراها، رسیدن به قدرت را در همکاری با این گروه، عملی تر دید تا قشر سنتی که مشکلی با شاه و عملکردهای باصلاح اصلاح طلبانه وی نداشتند. محمد داوود خان با جذب همکاری نظامیان چپ‌گرا، برنامه کودتا را فاش ساخت و توانست در شرایط مناسب، زمانی که ظاهر شاه به ایتالیا سفر کرده بود، کودتا را عملی کند.<sup>۹</sup>

### تشکیل حکومت جمهوری و گسترش نفوذ پرچمی‌ها در آن

محمد داوود خان با پیروزی کودتا، در اعلامیه‌ای که منتشر کرد (۱۳۵۲ ش/۱۹۷۳ م)، حکومت را جمهوری اعلام کرد.<sup>۱۰</sup> در روزهای اول کودتا، اعلامیه‌ها و تصمیم‌های حکومت جمهوری از جانب کمیته مرکزی قرائت می‌شد،<sup>۱۱</sup> به نظر می‌رسد سران نظامی که در

۹. داویدف، افغانستان مسائل جنگ و صلح، ترجمه عزیز آریانفر (تهران: نشر اندیشه، ۱۳۷۸)، ص ۲۵.

۱۰. صباح‌الدین کشکی، دهه قانون اساسی، ص ۲۸.

۱۱. مرکز اسناد وزارت خارجه ایران، کارتن ۳۸۶، پرونده ۸۹، سند ۴۳/۱، گزارشات سالیانه ۱۳۵۵-.

۱۲. سرهنگ پیکوف و سرهنگ نیکیتینکو و سرهنگ تیگین و سرهنگ شویدف، جنگ در افغانستان، ترجمه عزیز آریانفر (پشاور: مرکز نشراتی میوند، ۱۹۹۹)، ص ۵۷.

۱۳. عبدالحمید مبارز، تحلیل واقعات سیاسی افغانستان ۱۹۱۹-۱۹۹۶ م،

چ (پشاور: انتشارات میوند، ۱۳۷۷)، ص ۳۳۶.

۱۴. الف. هارون، داوود خان در چنگال ک. ج. ت. ترجمه حامد، چ (پشاور:

اکتبر ۱۹۶۴ م) مجبور به استعفاء شد.<sup>۱۵</sup> محمد هاشم میوندوال (۱۳۴۶-۱۳۴۳ ش/۱۹۶۷-۱۹۶۴ م)، نور احمد اعتمادی (۱۳۵۰-۱۳۴۶ ش/۱۹۷۱-۱۹۶۷ م)، و دکتر عبدالظاهر (۱۳۵۱-۱۳۵۰ ش/۱۹۷۲-۱۹۷۱ م)، نیز با استعفاء از حکومت کناره‌گیری کردند. محمد موسی شفیق (۱۳۵۲-۱۳۵۱ ش/۱۹۷۳-۱۹۷۲ م)، نیز در اثر کودتای محمد داوود خان مجبور به ترک حکومت گردید.<sup>۱۶</sup>

در دهه دموکراسی تضادها و تعارضاتی که در شعارها و اعمال حکومت مشاهده می‌شد بویژه در مورد شخص شاه، خشم طبقات مختلف جامعه را که هر کدام خواهان بهبود در شرایط زندگی شان بودند، برانگیخت. به عنوان مثال قانون احزاب در مجلس شورا (پارلمان) تصویب شد، اما ظاهر شاه آن را توشیح نکرد.<sup>۱۷</sup> با وجود آن احزاب متعددی تاسیس شدند، اما این احزاب بطور پنهانی و غیر رسمی به فعالیت‌های حزبی خود ادامه دادند. قانون مطبوعات خصوصی تصویب و توشیح شد، اما در عمل مطبوعات خصوصی با کوچکترین بهانه‌ای مسدود و توقیف می‌شدند.<sup>۱۸</sup> در انتخاب صدراعظم‌ها، ظاهر شاه در ابتدا آنها را انتخاب می‌کرد و سپس آنها را جهت اخذ رای اعتماد به مجلس شورا (پارلمان)، معرفی می‌کرد. این صدراعظم‌ها که از طبقه روشنفکر و تحصیل کرده جامعه بودند در دوران حکومت خود یکی از مشکلات جدی شان، مجلس شورا (پارلمان) بود. اکثریت نمایندگان مجلس شورا (پارلمان) را طبقه سنتی جامعه تشکیل می‌دادند که جزء طرفداران سرسخت حکومت شاهی بودند. این نمایندگان در برخورد با سیاست‌ها و عملکردهای صدراعظم‌های وقت اقدام به اشکال تراشی و در بسیاری از موارد استیضاح می‌کردند، به طوری که گسترش تنش‌ها میان مجلس شورا (پارلمان) و حکومت‌های وقت یکی از عوامل مهم در استعفاء صدراعظم‌ها از حکومت بود.<sup>۱۹</sup>

محمد داوود خان در دهه دموکراسی ناظر اعتراضات روشنفکران بود و از بی‌ثباتی شرایط سیاسی و استعفای زود هنگام صدراعظم‌ها، به نفع خود استفاده کرد.<sup>۲۰</sup>

۱۵. همان، ص ۷۷۵.

۱۶. همان، ص ۸۰۸.

۱۷. در دهه دموکراسی، قوانینی که در مجلس شورا (پارلمان) تصویب می‌شد، می‌بایست شخص شاه آن را جهت عملی شدن توشیح می‌کرد. در صورت عدم پذیرش و امضاء شخص شاه، آن قانون هم عملی نمی‌گردید.

۱۸. صباح‌الدین کشکی، دهه قانون اساسی، چ (پشاور: انتشارات میوند، ۱۳۸۴)، ص ۱۹۰.

۱۹. همان، ص ۱۲۲.

۲۰. گروهی از دانشمندان و پژوهشگران روسی و افغانی زیر نظر پروفیسور آ.

رسید و آنان با این همکاری موافقت کردند، در حالی که سران دو جناح خلق و پرچم از جاسوس‌های کی جی بی بودند و روابط تنگاتنگی با سران حزب کمونیست شوروی داشتند<sup>۷</sup>، بنابراین حمایت از کودتای محمد داوود خان با واسطه نظامیان طرفدار پرچم، موافق با سیاست کلی سران شوروی و سران پرچم بود. سران شوروی که از گذشته، از سیاست گسترش نفوذ میان طبقات حاکم افغانستان، حمایت می‌کردند، کودتای محمد داوود خان و گسترش نفوذ عناصر پرچمی در ارکان حکومت، کاملاً مطابق با سیاست‌های کلان شوروی در افغانستان بود. دیدگاه سران شوروی به حاکمیت محمد داوود خان، دیدگاه یک ولی نعمت را نشان می‌داد، گسترش کمک‌های شوروی در زمینه‌های مختلف به حکومت محمد داوود خان، مبتنی بر چنین اندیشه و دیدگاهی بود.

محمد داوود خان که نگران واکنش قهرآمیز سلطنت طلب‌ها و سنت‌گراها در کشور بود، با روی آوردن به روشنفکران چپ، جهت نشان دادن یک حکومت متفاوت، از شعارها و برنامه‌های سوسیالیستی روشنفکران پرچمی بهره گرفت؛ بیانیه خطاب به مردم (اول شهریور (سنبله) ۱۳۵۲ ش/ ۲۳ اگوست ۱۹۷۳ م)، که توسط محمد داوود خان در همان روزهای اول حکومت قرائت شد، توسط پرچمی‌ها آماده شده بود<sup>۸</sup> و یا درخواست مشورت محمد داوود خان از ببرک کارمل در رابطه با چگونگی سیاست داخلی و خارجی کشور نمونه‌ای دیگر از تأثیر روشنفکران چپ (پرچمی) در حکومت محمد داوود خان بود. گسترش عناصر پرچمی در حکومت محمد داوود خان برابر شد با شروع مخالفت‌های عناصر سنتی قدرت به سیاست‌های چپ‌گرایی محمد داوود خان و گسترش مخالفت‌های عناصر سنتی قدرت با محمد داوود خان باعث تغییر سیاست محمد داوود خان نسبت به عناصر چپی شد. حذف عناصر پرچمی از مقام‌های ارشد حکومتی، تصفیه نظامیان از عناصر و طرفداران شناخته شده پرچمی، آغاز

کودتای محمد داوود خان را یاری رساندند، همچنان کنترل اوضاع کشور را در دست داشتند. با عدم مخالفت جدی نظامی از جانب سنت‌گراها، محمد داوود خان حکومت جمهوری را تشکیل داد<sup>۱۰</sup>. او می‌اندیشید که با احراز مقام‌های کلیدی؛ ریاست جمهوری، صدراعظم، وزارت خارجه و وزارت امنیت، بقای حکومت خود را در برابر شورش نظامیان و یا گروه‌های مخالف و ناراضی می‌تواند تضمین کند، با این وجود افراد پرچمی و یا طرفداران آنها<sup>۲</sup> را در کابینه خود پذیرفت<sup>۳</sup>. حضور وزرای پرچمی و شعارهای اصلاح طلبانه محمد داوود خان، حذف عنصر سنتی قدرت، سنت‌گراها را مطمئن ساخت که کودتای محمد داوود خان با همکاری عناصر چپ چون پرچمی‌ها انجام شده است.

در دوره حکومت جمهوری، مناسبات افغانستان با شوروی بیش از گذشته افزایش یافت<sup>۴</sup>. توسعه روابط در زمینه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، نظامی و غیره شوروی با افغانستان در توسعه نفوذ عناصر چپ در حکومت نقش چشم‌گیری ایفا کرد. افزایش کمک‌های شوروی در زمینه‌های مختلف به حکومت محمد داوود خان، بر اساس خواست شخصی محمد داوود خان نبود؛ زمانی که محمد داوود خان کودتا کرد، سران شوروی قبل از کودتا، از آن مطلع بودند<sup>۵</sup>. همکاری نظامیان پرچم با محمد داوود خان به اطلاع سران حزب

انتشارات میوند، ۱۳۷۴)، ص ۹۷.

۱. بی‌نا، اسناد لانه جاسوسی آمریکا (تهران: جهان کتاب، ۱۳۷۹)، ج ۹، ص ۲۸.  
۲. این جناح نام خود را از نشریه‌ای که به طور هفته وار منتشر می‌کرد، گرفته است. این نشریه تا ۹۹ شماره به چاپ رسید (سرطان ۱۳۴۸ - حمل ۱۳۴۷ ش / جولای ۱۹۶۹ - مارچ ۱۹۶۸ م)، که بالاخره توسط حکومت توقیف شد. در آن زمان مرسوم شده بود که احزاب با نام‌های نشریه‌شان معروف می‌شدند. جناح پرچم به رهبری ببرک کارمل در ابتدا جزئی از حزب دموکراتیک خلق افغانستان بود. این حزب در ۱۳۴۲ ش/ ۱۹۶۳ م، تاسیس شد که نور محمد تره‌کی به رهبری حزب انتخاب گردید. اختلافات میان نور محمد تره‌کی و ببرک کارمل که کاملاً هم‌ایدئولوژیک نبود باعث شد تا ببرک کارمل پس از مدتی از نور محمد تره‌کی جدا گردید. این انشعاب باعث شد تا هر یک از جناح‌ها با نام نشریه‌شان معروف شدند؛ جناح نور محمد تره‌کی به خلق و جناح ببرک کارمل به پرچم. دستگیر پنجشیری، ظهور و زوال حزب دموکراتیک خلق افغانستان، ج ۳ (پشاور: نشراتی فضل، ۱۳۷۷)، ص ۱۴۷-۱۴۶.

۳. محمد اعظم سیستانی، مقدمه‌ئی بر کودتای ثور و پیامدهای آن، ج ۲ (بی‌جا: اداره دارالنشر افغانستان، ۲۰۰۰)، ص ۵۸.

۴. طی سه سال نخست حاکمیت محمد داوود خان، حجم بازرگانی افغانستان با شوروی سه برابر افزایش یافت و به ۱۵۴ میلیون روبل رسید (روبل = ۱/۶۷ دلار). گروهی از دانشمندان و پژوهشگران روسی و افغانی زیر نظر پروفیسور آ. د. داویدف، افغانستان مسائل جنگ و صلح، ص ۳۳.

5. Vasily Mitrokhin, The KGB in Afghanistan, p.23. <http://www.wilsoncenter.org/sites/default/files/WP40-english.pdf> (accessed 27/7/2011)  
32-Ibid, p.23.

۷. مطابق با اسناد کی جی بی در افغانستان، سران حزب دموکراتیک خلق افغانستان با نام مستعار با نمایندگان کی جی بی در افغانستان، همکاری و ارتباط داشتند. نام مستعار نور محمد تره‌کی، «نور» ببرک کارمل، «مارید» و حفیظ الله امین «کاظم» ذکر شده است.

Vasily Mitrokhin, The KGB in Afghanistan, p. ۱۷-۱۸.

<http://www.wilsoncenter.org/sites/default/files/english.pdf-WP40>  
(۲۰۱۱/۷/ accessed ۲۷)

۸. محمد نبی عظیمی، اردو و سیاست (در سه دهه اخیر افغانستان)، ج ۳ (پیشاور: انتشارات میوند، ۱۳۷۸)، ص ۱۰۰.

محمد داوود خان (۱۳۴۱-۱۳۳۲ ش/ ۱۹۶۲-۱۹۵۳ م)، گسترش روابط آمریکا با پاکستان و افشای کمک‌های نظامی آمریکا به آن کشور با بی‌توجهی بلوک غرب به افغانستان همراه شد.<sup>۴</sup> کمک‌های نظامی آمریکا به پاکستان و واکنش پاکستان و متحدانش به قضیه پشتونستان باعث موضع تدافعی افغانها در برابر همسایه جدید التأسیس شان (پاکستان) شد، از طرفی قضیه پشتونستان، بر نوع روابط افغانستان با همسایه غربی‌اش، ایران نیز تأثیر گذاشت. شاه ایران همانند بسیاری از کشورهای عضو سازمان ملل، قضیه پشتونستان را طبق معاهده دیورند، حل شده می‌دانست، بنابراین توصیه سران حکومتی ایران به افغانها، توسعه روابط با پاکستان بود (۱۳۳۳ ش/ ۱۹۵۴ م).<sup>۶</sup> با توجه به قضیه پشتونستان و روابط حسنه ایران و پاکستان، سران افغان نسبت به گسترش روابط با ایران بدبین شدند، از این‌روی در دوران صدارت محمد داوود خان، روابط سردی میان دو کشور حاکم شد. داوود جهت تقویت و تجهیز اردوی کشور در برابر پاکستان، متوجه شوروی و کشورهای سوسیالیستی شد، بنابراین با تشکیل لویی جرگه (۱۳۳۴ ش/ ۱۹۵۵ م) در آن موضوع جلب کمک‌های نظامی و حمایت از قضیه پشتونستان مورد بحث و بررسی قرار گرفت.<sup>۷</sup> سرانجام پس از سه روز، لویی جرگه در بیانیه‌ای تجهیز و تقویت اردوی نظامی افغانستان را با کمک کشورهای سوسیالیستی جهت مقابله احتمالی در برابر حملات تجاوز کارانه پاکستان مورد تصویب قرار داد.<sup>۸</sup> از طرفی محمد داوود خان در آغاز صدارت، جهت ایجاد تحولات اقتصادی در کشور، برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی (۱۳۴۰-۱۳۳۵ ش/ ۱۹۶۱-۱۹۵۶ م) را پایه‌گذاری کرد که توانست حمایت‌های مالی و فنی سران

۴. عبدالصمد غوث، سقوط افغانستان، ترجمه محمد یونس طغیان ساکایی،

چ (پیشاور: نشر قصه خوانی، ۱۳۷۸)، ص ۱۱۲-۱۱۱.

۵. معاهده دیورند در ۲۱ عقرب ۱۲۶۲ ش/ ۱۲ نوامبر ۱۸۸۳ م، میان سرهنری مور تیر دیورند و امیر عبدالرحمان خان جهت تعیین مرز افغانستان و هند بریتانیا در کابل به امضاء رسید. طبق این معاهده، مرزهای افغانستان از منطقه واخان تا سرحدات ایران مشخص گردید. با انعقاد این معاهده بریتانیا کمک‌های

مالی به افغانستان را که ۱۲ لک روپیه در سال بود به ۱۸ لک روپیه افزایش داد. معاهده دیورند را افغان‌ها پس از استقلال پاکستان در ۱۳۲۶ ش/ ۱۹۴۷ م، به رسمیت نشناختند و تا به امروز هم این معاهده را دولت افغانستان رسمی نمی‌داند. لودویک دلبیو آدامک، دانشنامه تاریخی افغانستان، ترجمه سید محمد علی رضوانی و محمد تقی مناقبی (کابل: مطبعه بلخ، ۱۳۸۸)، ص ۱۴۲-۱۴۱. لک در واحد پولی افغانستان معادل صد هزار است؛ یک لک یعنی ۱۰۰۰۰۰ افغانی.

۶. عبدالصمد غوث، سقوط افغانستان، ترجمه محمد یونس طغیان ساکایی، ص ۱۲۷.

۷. محمد اعظم سیستانی، مقدمه‌ئی بر کودتای ثور و پیامدهای آن، ص ۳۶.

۸. محمد علم فیض‌زاد، جرگه‌های بزرگ ملی افغانستان (لوی جرگه‌ها)،

ص ۲۱۴-۲۱۳.

تغییر سیاست محمد داوود خان نسبت به عناصر چپ‌گرای حامی حکومت بود. محمد داوود خان عناصر سنتی قدرت را دوباره به مقام‌هایشان برگرداند و ماهیت سنتی حکومت خود را با سیاست‌هایی که در پیش گرفت برای طبقه روشنفکر اصلاح طلب مسجل گردانید.

محمد داوود خان و چرخش در سیاست خارجی او محمد داوود خان در پی تغییر سیاست نسبت به عناصر چپی، سفرهای خارجی‌اش را به کشورهای همسایه و منطقه آغاز کرد. در سفرهای خارجی محمد داوود خان به کشورهای عربی و همسایه چه گذشت که باعث اتخاذ سیاست‌های افراطی ضد چپ در افغانستان شد؟ عموم نویسندگان بر این مسأله اتفاق نظر دارند که محمد داوود خان در پی جایگزین کردن کمک‌های شوروی با کمک‌های بلوک غرب و کشورهای ضد شوروی بود، زمانی که به کشورهای عربی و همسایه سفر کرد، با استقبال این کشورها در گسترش روابط منطقه‌ای روبرو شد.

در منابع این دوره، اکثر نویسندگان به نوعی معتقدند، تحریکات شاه ایران و وعده‌های اغوا کننده وی در تغییر سیاست محمد داوود خان، نقش مهمی داشته است، از این‌رو روایت‌های متعدد و ناهمسانی از میزان وعده‌های کمک شاه ایران در این منابع انعکاس یافته است که یکی از مهمترین و شایع‌ترین این روایت‌ها این گونه است؛ دو میلیارد دلار وام دراز مدت و سایر کمک‌های فرهنگی، نظامی و غیره در عرصه‌های مختلف.<sup>۱</sup>

سیاست خارجی محمد داوود خان در سال‌های حکومت جمهوری، تداوم سیاست خارجی وی در دوران صدارت بود؛ جلب کمک‌ها و همکاری‌های اقتصادی با بلوک شرق و غرب. جمله معروف محمد داوود خان؛ «روزی که بتوانم سیگرت (سیگار) آمریکایی‌ام را با گوگرد (کبریت) روسی روشن کنم، خوشحال می‌شوم»<sup>۲</sup>، نشان دهنده توجه توأمان وی در جلب کمک‌ها و همکاری‌های اقتصادی بلوک شرق و غرب است، سیاستی که در عمل با شکست مواجه شد.

گسترش روابط با ایران و تأثیر آن بر سیاست داخلی کشور محمد داوود خان زمانی که در ۱۳۵۲ ش/ ۱۹۷۳ م، حکومت را به دست گرفت، تصور بسیاری از کارشناسان در حوزه روابط ایران و افغانستان، تداوم همان روابط سرد، دوران صدارت وی بود.<sup>۳</sup> در دوران صدارت

۱. صدیق فرهنگ، افغانستان در پنج قرن اخیر، ج ۲، ص ۸۷۰.

۲. بی‌نا، اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ج ۹، ص ۲۸۲.

۳. همان، ج ۹، ص ۲۸۴.

که محمد داوود خان حکومت را بدست گرفت، جامعه دهه ۱۳۳۰ ش/ ۱۹۵۱ م، دوران صدرات خود را مشاهده نکرد، بویژه آن که نظامیان پرچمی، محمد داوود خان را جهت دستیابی به قدرت یاری رسانده بودند.<sup>۳</sup>

محمد داوود خان پس از تثبیت حکومت، زمانی که ظاهر شاه با صدور بیانیه‌ای (۲۱ مرداد (اسد) ۱۳۵۲ ش/ ۱۲ اگوست ۱۹۷۳ م)، حکومت وی را به رسمیت شناخت،<sup>۴</sup> متوجه ادعاهای قدرت طلبانه خلق و پرچم در حکومت شد. نظامیان پرچم خود را «تاج بخش» می خواندند و روشنفکران چپ نیز ادعای سیطره بر حکومت را داشتند؛ بدین صورت که محمد داوود خان می بایست اصلاحات ملی گرایی را در صدر برنامه های اقتصادی خود قرار دهد.<sup>۵</sup> از طرفی روشنفکران چپ، در ساختار حکومت اقدام به جابجایی نیروهای خود کردند، در وزارت خانه های چون معارف و امور داخله بر تعداد کارمندان چپ گرا افزوده شد<sup>۶</sup> در حوزه سیاست خارجی، سران شوروی که از اقدام متهورانه نظامیان پرچمی در جابجایی قدرت خشنود به نظر می رسیدند، از سران خلق و پرچم خواستند با حکومت جمهوری همکاری های لازم را در جهت تقویت آن انجام دهند،<sup>۷</sup> به جز آن که روابط دو کشور در عرصه های مختلف نیز رشد چشم گیری یافت.

مشاهده تغییرات در حکومت جدید که بسیار واضح و آشکار بود، باعث خشم عناصر سنتی قدرت از شخص محمد داوود خان شد. داوود در میان عناصر سنتی جایگاه خود را از دست داده بود، با تغییرات انقلابی چپی ها در زمینه های مختلف هم کاملاً موافق نبود، بنابراین یک سال پس از تثبیت حکومت، در صدد بازگشت به شیوه سنتی حکومت برآمد،<sup>۸</sup> اما مهمترین موضوع در تغییر سیاست داخلی، وابستگی آن به سیاست خارجی بود. حذف عناصر چپ از حکومت و سرکوب این گروهها در جامعه، با اعتراض سران شوروی روبرو می شد، افغانستان که وابستگی اش به کمک های شوروی از دهه های گذشته آغاز شده بود، نمی توانست بدون در نظر داشت

۳. الکساندر لیاخفسکی، توفان در افغانستان، ترجمه عزیز آریانفر، ج (پیشاور: انتشارات میوند، ۱۹۹۹)، ص ۳۸.

۴. محمد ظاهر شاه، «استغفی پادشاه مخلوع افغانستان»، «دافغانستان کالنی» (کابل: مطبوعه دولتی، ۱۳۵۳)، ش ۴۰ (۱۳۵۲).

۵. و. پلاستون و اندریانوف، افغانستان در منگنه ژئوپولیتیک، ترجمه عزیز آریانفر، ج ۲ (پیشاور: انتشارات میوند، ۲۰۰۱)، ص ۱۳۶.

6. Anthony Arnold, Afghanistan, the soviet invasion in perspective, (India: hoover press publication, 1987), p.57.

۷. و. پلاستون و اندریانوف، افغانستان در منگنه ژئوپولیتیک، ص ۱۴۲.

8. Anthony Arnold, Afghanistan, the soviet invasion in perspective, p.61.

شوروی را در پیشبرد برنامه اش به دست آورد. به این ترتیب روابط افغانستان و شوروی در زمینه های مختلف نظامی، اقتصادی، فرهنگی، تکنیکی و غیره گسترش یافت. سران شوروی با حمایت از قضیه پشتونستان، کاملاً خود را همسو با منافع منطقه ای افغان ها نشان دادند و باعث گسترش نفوذشان میان سران حکومتی افغانستان شدند.

در دهه دموکراسی (۱۳۵۲-۱۳۴۲ ش/ ۱۹۷۳-۱۹۶۳ م)، تغییرات قابل توجهی در عرصه سیاست خارجی کشور اعمال نگردید. روابط با شوروی در عرصه های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و غیره همانند گذشته تداوم یافت. در عرصه روابط با ایران تغییر قابل توجهی در بهبود و گسترش روابط دو جانبه صورت نگرفت، اما در رابطه با پاکستان، موضوع پشتونستان و مساله دیورند همانند گذشته مورد پیگیری و توجه حکومت ها قرار نگرفت و به این ترتیب تا حدی روابط دو کشور به حالت عادی بازگشت.<sup>۲</sup> عامل مهم در عدم تغییرات جدی در عرصه سیاست خارجی کشور، افزایش تنش ها در سیاست داخلی کشور بود. استعفای زود هنگام صدراعظم ها از مقام هایشان که در اثر افزایش نارضایتی های گروههای مختلف از حکومت و بحران های داخلی کشور صورت می گرفت، فرصتی جهت اعمال تغییرات و یا توجه بیشتر به سیاست خارجی را به حکومت های وقت نمی داد.

در دهه ۱۳۵۰ ش/ ۱۹۷۱ م، پس از دهه دموکراسی زمانی که محمد داوود خان قدرت را تصاحب کرد، متوجه تغییر شرایط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و غیره جامعه با دوران صدراتش در دهه ۱۳۳۰ ش/ ۱۹۵۱ م، شد. در دهه ۱۳۵۰ ش/ ۱۹۷۱ م، جامعه شهری کشور توسعه یافته بود، بر تعداد تحصیل کرده ها و روشنفکران جامعه افزوده شده بود و بازگشت تحصیل کرده های کشورهای خارجی، بویژه از شوروی و اروپای شرقی، باعث گسترش گرایشات سوسیالیستی در کشور شده بود، از طرفی تجربه دهه دموکراسی (۱۳۵۲-۱۳۴۲ ش/ ۱۹۷۳-۱۹۶۳ م)، در شکل گیری احزاب با گرایشات مختلف، در گسترش آگاهان سیاسی و منتقدین حکومت و بر گسترش گروه های معترض؛ کارگران، دانشجویان، روشنفکران و غیره که خواهان تغییرات بنیادین بودند، تأثیر ماندگاری بر جای گذاشت. در چنین شرایطی، زمانی

۱. در همان آغاز صدارت داوود، خروشچف و بولگائین از سران شوروی به کابل سفر کردند (دسامبر ۱۹۵۵/ قوس ۱۳۳۴) آن ها جهت حمایت از برنامه پنج ساله اقتصادی محمد داوود خان، اعطای وامی به مبلغ یکصد میلیون دلار را پیشنهاد کردند. الف. هارون، داوود خان در چنگال ک.ج.ب، ص ۲۵.

۲. صباح الدین کشککی، دهه قانون اساسی، ص ۳۵.



در منطقه خاورمیانه بعد از جنگ جهانی دوم، بریتانیا استقلال هند و پاکستان را به رسمیت شناخت و به دلیل مشکلات اقتصادی منطقه را ترک کرد. با کم رنگ شدن حضور و نقش بریتانیا در خاورمیانه، آمریکا جایگزین این کشور در منطقه نفت خیز خاورمیانه گردید. در دهه ۱۳۵۰ ش/ ۱۹۷۰ م، و در نتیجه دکترین نیکسون که بر عدم برخورد مستقیم با روسیه تاکید می شد، ایران نماینده آمریکا در منطقه گردید؛ در روزنامه اینترنشنال هرالد تریبون، در شماره اول فوریه خود در گزارشی در رابطه با «توسعه نفوذ دریایی شوروی در اقیانوس هند» به موضوع حمایت آمریکا از افزایش نقش منطقه ای ایران، اینگونه اشاره شده است:

«ایالات متحده تا کنون هیچ گونه تعهد آشکاری را در مقابل هیچ یک از کشورهای ساحلی قبول نکرده است، اما بطور کلی کشورهایمانند ایران را برای اینکه مسئولیت حفظ امنیت منطقه را برعهده گیرند، تقویت کرده است»<sup>۹</sup>.

افزایش بهای نفت از ۱۳۵۳ ش/ ۱۹۷۴ م، و نیاز آمریکا به واردات نفتی باعث گردید تا سران این کشور از سیاست نظامی گرای شاه ایران حمایت کنند، فروش تسلیحات غیر هسته ای به ایران که می توانست در برگرداندن دلارهای نفت به آمریکا کمک کند ۱۰٪ از طرفی باعث پیشرفت تسلیحاتی شدن ایران در منطقه می شد. افزایش بهای نفت، تسلیحاتی شدن ایران، گسترش روابط با آمریکا و حمایت های این کشور رضا شاه را به گسترش نفوذ و سیطره سیاسی در کشورهای منطقه و همجوار تشویق کرد. گسترش نفوذ شوروی و احزاب چپ گرا در افغانستان، رضاشاه را به توسعه روابط سیاسی و اقتصادی با حکومت محمد داوودخان ترغیب کرد<sup>۱۰</sup>. رضا شاه با توصیه آمریکایی ها به منظور مانع شدن از توسعه و تداوم نفوذ شوروی و احزاب چپ در این کشور اقدام به بسط مناسبات اقتصادی با حکومت محمد داوودخان از طریق اعطاء وعده های مالی قابل توجه کرد.

از ۱۳۵۳ ش/ ۱۹۷۴ م، گسترش روابط با ایران از طریق هئیت های اقتصادی دو کشور، مورد پیگیری قرار گرفت. هئیت اقتصادی ایران بنا بر دعوت دولت افغانستان

کمک های همه جانبه شوروی، در عرصه سیاست داخلی، مستقلانه عمل کند، مگر اینکه با جایگزین کردن کشورهای دیگر، از میزان نفوذ شوروی در کشور می کاست.

آمریکا از دهه دموکراسی با مشاهده گسترش روابط و نفوذ شوروی در افغانستان، بر میزان روابط خود با این کشور افزود. علیرغم توجه آمریکا به افغانستان، میزان مناسبات این کشور با افغانستان در مقایسه با شوروی آنچنان ناچیز بود که نتوانست در عرصه سیاست خارجی افغانستان در گرایشش به شوروی، تغییری ایجاد کند. سرانجام در اثر فشارهای داخلی و پویاتر شدن سیاست خارجی آمریکا نسبت به کشورهای هم مرز با اتحاد شوروی<sup>۱۱</sup>، جهت کاهش نفوذ شوروی در منطقه، محمد داوودخان در تغییر سیاست خارجی متوجه کشورهای منطقه شد که از متحدان آمریکا به شمار می رفتند<sup>۱۲</sup>. در دهه ۱۳۵۰ ش/ ۱۹۷۰ م، در عرصه تحولات جهانی و منطقه ای، جنگ سرد وارد مرحله جدیدی از رقابت ها شد<sup>۱۳</sup>. شکست آمریکا در جنگ ویتنام و رسانه ای شدن این جنگ در مطبوعات جهانی، این کشور را در انظار عامه و حتی شهروندان آمریکایی مورد نکوهش و انتقاد قرار داد<sup>۱۴</sup>. از طرفی افزایش بهای نفت و هزینه های سنگین جنگ ویتنام باعث شد تا سران آمریکا در تداوم جنگ سرد دهه ۱۳۵۰ ش/ ۱۹۷۰ م، شیوه مبارزاتی شان با بلوک شرق را تغییر دهند. ریچارد نیکسون طی سخنرانی که در جزیره گوام در دوم بهمن (دلو) ۱۳۴۷ ش/ ۲۲ ژوئیه ۱۹۶۹ م، در برابر روزنامه نگاران و سران نظامی آمریکایی انجام داد، این تغییر سیاست را علنا بیان کرد<sup>۱۵</sup>. نیکسون که سیاست آینده آمریکا در قبال اوضاع جهان را تشریح کرد، این عقاید به دکترین نیکسون شهرت یافت. در دکترین نیکسون، با تاکید بر انتقال تامین مسئولیت های امنیتی هر منطقه به کشورهای آن ناحیه، دولت آمریکا نشان داد که خواهان کاهش هزینه ها و تعهدات این کشور در خارج است<sup>۱۶</sup>.

۱. عبدالصمد غوث، سقوط افغانستان، ص ۱۱۷.

۲. گروهی از دانشمندان و پژوهشگران روسی و افغانی زیر نظر پروفیسور آ. د.

داویدف، افغانستان مسائل جنگ و صلح، ص ۳۵.

۳. هنری کسینجر، وزیر امور خارجه آمریکا دو بار جهت گفتگو با سران حکومت داوود به افغانستان سفر کرد. میر محمد صدیق فرهنگ، افغانستان در پنج قرن اخیر، ج ۲، ص ۸۶۶.

۴. تحولات جهانی وارد مرحله ای شد که به جنگ سرد دوم معروف شد. اریک

هابسبام، عصر نهایت ها: تاریخ جهان ۱۹۱۴-۱۹۹۱، ص ۳۱۹.

۵. اریک هابسبام، عصر نهایت ها: تاریخ جهان ۱۹۱۴-۱۹۹۱، ص ۳۲۰.

۶. عبدالرزاق هوشنگ مهدوی، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی ۱۳۵۷-۱۳۰۰، ص ۴۰۰.

۷. همان، ص ۴۰۱.

۸. مرکز اسناد وزارت خارجه ایران، کارتن ۳۶۷، پرونده ۱۴۱، سند ۹، گزارشات سالیانه ۱۳۵۲.

۹. همان، کارتن ۳۶۷، پرونده ۱۴۱، اسناد ۹-۸، گزارشات سالیانه ۱۳۵۲.

۱۰. ۶۰- رابرت د. شولزینگر، دیپلماسی آمریکا در قرن بیستم، ترجمه محمد رفیعی مهر آبادی، ج ۳ (تهران: انتشارات وزارت خارجه، ۱۳۸۹)، ص ۵۴۳-۵۴۲.

۱۱. عبدالرزاق هوشنگ مهدوی، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی ۱۳۵۷-۱۳۰۰، ص ۴۳۱.

شهریور (سنبله) ۱۳۵۰ ش/ ۱۹۷۱ م) موافقتنامه ترانزیتی میان دو کشور منعقد شد، که در سه پروتکل الحاقی آن، راه‌های ترانزیتی و تسهیلات گمرکی جهت موسسات رسمی و شرکت‌های خصوصی دو کشور تعیین گردید. ۴. در مهر ماه همان سال (۳۰ مهر) (میزان) ۱۳۵۳ ش/ ۱۹۷۴ م) تفاهم‌نامه اعطای وام میان هوشنگ مهدوی وزیر امور اقتصاد و دارایی ایران و زلمی محمود غازی، سفير افغانستان در ایران، منعقد شد که طبق آن، دولت ایران پذیرفت، مبلغ ۱۰ میلیون دلار کمک بلاعوض جهت انجام مطالعات اقتصادی بر روی پروژه‌های تفاهم‌نامه اقتصادی، به دولت افغانستان اعطا نماید. ۵.

یکسال بعد در ۱۳۵۴ ش/ ۱۹۷۵ م، پس از مطالعات تحقیقاتی بر روی پروژه‌های موافقتنامه، تفاهم‌نامه بازرگانی و اقتصادی در کابل میان فریدون مهدوی، وزیر بازرگانی دولت ایران و علی احمد خرم وزیر پلان افغانستان به امضاء رسید که طبق آن، جهت انجام پروژه‌های ساختن بندهای ذخیره آب بر روی رودخانه هیرمند، احداث کارخانجات کاغذ، شکر، سیمان، نساجی و تکمیل راه یخچال - دیشو تا مرزهای ایران، دولت ایران اعطای وام به مبلغ ۷۰۰ میلیون دلار به افغانستان را پذیرفت. در مورد تاسیس بانک صادرات در افغانستان، ایران موافقت کرد که وامی به مبلغ ۱۰ میلیون دلار به افغانستان اعطا نماید و در مورد تجهیز فرودگاه کابل، مبلغ دو و نیم میلیون دلار به افغانستان کمک مالی پرداخت کند. ۶.

با پیشرفت مناسبات اقتصادی میان ایران و افغانستان، محمد داوودخان در ۱۳۵۴ ش/ ۱۹۷۵ م، به کشورهای منطقه و ایران مسافرت کرد. در این سفر سران کشورهای عرب حمایت مالی و سیاسی خود را از حکومت محمد داوودخان اعلام کردند، اما این حمایت‌ها را مشروط به کاهش نفوذ شوروی و چپ‌گراها در افغانستان کردند. شاه ایران هم تداوم و گسترش حمایت‌های مالی از حکومت محمد داوودخان را اعلام کرد و در مقابل خواهان کاهش روابط و نفوذ شوروی در افغانستان شد.

۴. همان، ج ۳، سند شماره ۶۳، ۶۲، ۶۱، ۶۰، ص ۱۵۱-۱۳۸.

۵. بی‌نا، اسناد و معاهدات دوجانبه ایران با سایر دول همان، ج ۳، سند شماره ۶۴، ص ۱۵۳-۱۵۲.

۶. همان، سند شماره ۶۸، ص ۱۵۷-۱۵۶.

۷. «شاه ایران بارها اظهار می‌داشت که از گسترش نفوذ اتحاد شوروی در افغانستان نگران است» گروهی از دانشمندان و پژوهشگران روسی و افغانی زیر نظر پروفیسور آ. داویدوف، افغانستان مسائل جنگ و صلح، ص ۳۶.

8. Anthony Arnold, Afghanistan, the soviet invasion in perspective, p.64.

از ۳۱ تیر تا سوم مرداد (سرطان - اسد) ۱۳۵۳ ش/ ۲۲ تا ۲۵ ژوئیه ۱۹۷۴ م، وارد افغانستان شدند، پس از دیدار و مذاکره با مقام‌های مختلف افغانستان، هر دو طرف بر توسعه همکاری‌های اقتصادی بین دو کشور تأکید کردند. در رابطه با همکاری‌های اقتصادی در مورد برخی از موضوعات به توافقات کلی دست یافتند، در رابطه با حوزه سیلابی رودخانه هیرمند، توافق شد تا با احداث بندهای ذخیره آب از خسارت‌های احتمالی فصل سیلابی این رود جلوگیری شود و در عوض با احداث بندهای مذکور در توسعه کشاورزی، دامپروری و تولید برق مورد استفاده قرار گیرد. در منطقه ننگرهار، جهت افزایش تولیدات نیشکر و چغندر، کارخانجات تولید شکر و صنایع کاغذسازی احداث شود. به منظور حمایت از توسعه دامپروری در افغانستان، یک هیئت مشترک از دو کشور تشکیل شود تا مطالعات لازم جهت «صدور، توزیع و فروش محصولات اصلی و فرعی حیوانی به ایران و کشورهای ثالث» مورد توجه قرار گیرد. در مورد توسعه راه‌های ارتباطی زمینی، پروژه احداث راه یخچال - دیشو و ادامه آن تا مرزهای ایران با کیفیت مناسب از جانب یک هیئت مشترک فنی، مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد، همچنین احداث خط آهن کابل - قندهار - هرات و ادامه آن تا مرز ایران جهت پیوند به خطوط راه آهن ایران، مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. ۱.

در مورد توسعه صنایع مختلف در افغانستان، صنایع سیمان، نساجی، قند، گوشت و بسته بندی میوه، تحقیق و بررسی‌های لازم انجام شود. طرح‌های مختلف دیگری چون، تاسیس بانک توسعه صادرات در افغانستان و توسعه مشارکت بخش‌های خصوصی دو کشور در طرح‌های مشترک و ایجاد راه‌های ترانزیت بین دو کشور به توافقاتی دست یافتند و مقرر شد تا در آینده جهت تکمیل این طرح‌ها، مذاکرات بیشتری صورت گیرد. در پایان مذاکرات، هیئت ایرانی موافقت کرد در مورد تهیه و تنظیم طرح‌ها از نظر مالی و فنی با افغانستان همکاری نماید و برای اجرایی شدن طرح‌های تثبیت شده، کمک‌های مالی مورد نیاز به افغانستان اعطاء شود. ۲. جهت شروع مطالعات تحقیقاتی، ایران اعطای مبلغ ۱۰ میلیون دلار را به افغانستان پیشنهاد کرد که در صورت لزوم با توافق طرفین تا مبلغ ۲۰ میلیون دلار نیز افزایش می‌یافت. ۳.

۱. بی‌نا، اسناد و معاهدات دوجانبه ایران با سایر دول، (تهران: واحد نشر اسناد

۱۳۷۰)، ج ۳، سند شماره ۵۶، ص ۱۳۳-۱۳۲.

۲. همان، ج ۳، سند شماره ۵۶، ص ۱۳۴-۱۳۳.

۳. همان، ج ۳، سند شماره ۵۷، ص ۱۳۵.

و چپ گراها دعوت نکردند. نادیده گرفتن افراد و احزابی که محمد داوود خان را در کسب قدرت و تثبیت آن یاری رساندند، باعث آغاز واکنش های انتقادی این افراد از حکومت محمد داوود خان شد.

پس از تصویب قانون اساسی، در لویی جرگه محمد داوود خان جهت یک دوره شش ساله برای ریاست جمهوری برگزیده شد. مطابق با ماده هفتاد و هشتم از قانون اساسی جدید، بر اختیارات مقام ریاست جمهوری افزوده شد. افزایش اختیارات ریاست جمهوری که در بسیاری از موارد قدرت شخص رئیس جمهور را همتای با مقام شاهی و حتی بالاتر از آن قرار می داد، نشان از تغییرات ساختاری در حکومت محمد داوود خان پس از گرایشش به جانب بلوک غرب، در سیاست خارجی و سنت گراها در سیاست داخلی بود. در حالی که محمد داوود خان در اولین روزهای پس از کودتا در بیانیه خطاب به مردم از تشکیل حکومتی دموکراتیک و مبتنی بر ساختار نظام جمهوری خبر می داد<sup>۵</sup>، چنین چرخشی در سیاست داخلی که قدرت وی را فراتر از نهادهای حکومتی قرار می داد، از جانب عناصر چپ به گسترش نفوذ عناصر سنتی قدرت و بلوک غرب در روند حکومت محمد داوود خان تعبیر گشت.

اعتراض های خلق و پرچم به لویی جرگه انتصابی و قانون اساسی غیر دموکراتیک، سرکوب گردید. با تصویب قانون اساسی طبق ماده چهارم آن در کشور نظام تک حزبی اعلام شد. حزب انقلاب ملی تنها حزب رسمی کشور اعلام گردید<sup>۸</sup> و از سایر احزاب چون خلق و پرچم خواسته شد، انحلال خود را اعلام کرده و به حزب انقلاب ملی بپیوندند. مطابق با قانون تک حزبی شدن کشور، ریاست حزب با شخص رئیس جمهور بود، تمامی افراد کشور می بایست در این حزب عضو می شدند؛ کاندیداهای مجلس شورا (پارلمان) را حزب انقلاب ملی از میان اعضاء خود به مردم معرفی می کرد و به این ترتیب این افراد با رأی مردم به مجلس شورا (پارلمان)

## آثار توسعه روابط با ایران در تغییر سیاست داخلی محمد داوود خان

محمد داوود خان پس از بازگشت به افغانستان وارد هرات شد، در اولین سخنرانی که ایراد کرد، از مبارزه علیه ایدئولوژی های وارداتی سخن گفت<sup>۱</sup>:

«برادران! ایدئولوژی های وارد شده هیچگاه به تنهایی به درد یک ملت نمی خورد. ملتی مرد و قهرمان آن ملتی است که از آن همه ایدئولوژی ها از همه دنیا چیزهای بهتری که موافق با عنعنات ملی، منافع ملی و معتقدات دینی آن باشد استخراج و جمع آوری نموده به فکر و دماغ خود برای خویشتن و وطن سعادت و خوشبختی را خلق کند.»<sup>۲</sup>

محمد داوود خان با این سخنان، تغییر رویه و مشی خود را نسبت به احزاب چپ و نفوذ شوروی آشکار کرد. وی پس از رسیدن به کابل، تغییرات اساسی در حکومت را آغاز کرد. پس از شناسایی چپ گراها و افراد خلق و پرچم در مقامات ارشد حکومتی آنها را از این مقام ها برکنار کرد و در مقابل کارمندان سابق حکومتی را که از سلطنت طلب ها و سنت گراها بودند و در نتیجه کودتای وی از مقام هایشان برکنار شده بودند، دوباره آنها را به حکومت برگرداند. محمد داوود خان در حوزه نظامیان نیز اقدام به تصفیه اردو<sup>۳</sup> از اعضاء خلق و پرچم و یا طرفداران چپ کرد. تصفیه اردو بویژه در حوزه کابل و در مقام های ارشد نظامی این ولایت با حساسیت بیشتری انجام شد. افراد نظامی شناسایی شده از خلق و پرچم و چپ گراها اکثراً به ولایت های دور از پایتخت اعزام شدند<sup>۴</sup>. محمد داوود خان با این اقدامات در پی آن بود که از تجمع نظامیان خلق و پرچم و چپ گراها در پایتخت جلوگیری کند تا به این ترتیب از همکاری های احتمالی این نظامیان با احزاب خلق و پرچم و چپی ها در صورت تشدید سخت گیری ها جلوگیری شود. محمد داوود خان پس از این اقدامات، خواهان مشروعیت بخشیدن و تمرکز قدرت در شخص خود شد، بنابراین دستور تدوین قانون اساسی جدید را صادر کرد. محمد داوود خان که با کودتا حکومت را بدست گرفته بود، پس از تثبیت قدرت و حذف چپی ها از حکومت در پی قانونی کردن حکومت خود از طریق تصویب یک قانون اساسی جدید با فراخواندن لویی جرگه شد. محمد داوود خان در هر دو موضوع کمیته تدوین قانون اساسی و اعضای لویی جرگه، از اعضاء خلق و پرچم

۵. عبدالحمید مبارز، تحلیل واقعات سیاسی افغانستان ۱۹۱۹-۱۹۹۶م، ص ۳۴۰.  
۶. جریده رسمی، قانون اساسی، ماده هفتاد و هشتم، کابل: مطبوعه دولتی، ۱۳۵۵، ص ۲۳-۲۴.

۷. «۱- اصلاحات سیاسی: باز بین رفتن رژیم گذشته، اکنون امکانات آن بوجود آمده است که کلیه قوای دولتی بدست مردم و استقرار حاکمیت ملی در وجود جمهوری جوان و دموکراتیک افغانستان متمرکز گردد. حاکمیت ملی: خوش بختانه جمهوریت جوان از پشتی بانی صمیمانه اکثریت مردم افغانستان برخوردار است و از منافع اوشان نمایندگی میکند. در آینده بر اساس قانون اساسی جمهوریت که نافذ میگردد تجدید انتخاب هیئت دولت جمهوری و تفکیک قوای دولت بر اساس تساوی حقوق و اشتراک قانونی مردم افغانستان صورت خواهد گرفت.» سالنامه شماره ۴۰، سال ۱۳۵۲ «بیانیه خطاب به مردم»  
۸. محمد علم فیض زاد، جرگه های بزرگ ملی افغانستان (لوی جرگه ها)، ص ۳۱۹.

۱. شاه زمان و ریح ستانیزی، سهل انگاری محمد داوود خان، چ (کابل: انتشارات الازهر، ۱۳۸۹)، ص ۲۷.  
۲. «متن بیانیه بناغلی رئیس دولت و صدراعظم»، روزنامه انیس، ش ۳۳۱ (شنبه ۱۳ نور ۱۳۵۴)، ص ۱-۱۲.  
۳. اردوی ملی که به اردوی نظامی هم شهرت دارد. ارتش رسمی افغانستان است که بخشی از نیروهای مسلح کشور را شامل می شود.  
۴. محمد نبی عظیمی، اردو و سیاست، ص ۱۱۵.

مشترک اقتصادی و بازرگانی دو کشور در کابل برگزار گردید. در این اجلاس بر روی عملی شدن طرح‌های توافقی میان دو کشور بحث و بررسی‌ها ادامه یافت، در نهایت مقرر شد که جهت تسهیل در انجام خدمات مربوط به همکاری‌های اقتصادی و فنی و رسیدگی به امور دریافت کمک و اعتبارات و نحوه استفاده از آنها، یک دفتر فنی (اداره انسجام تخنیک) در کابل تأسیس شود. همچنین به منظور توسعه مبادلات اقتصادی میان دو کشور، مقرر شد تا افغانستان لیستی از کالاهای صادراتی خود را به ایران تحویل دهد تا مطالعه بر روی اقلام صادراتی افغانستان انجام شود. ۴. همزمان با گسترش مناسبات اقتصادی میان ایران و افغانستان از طریق هیئت‌های اقتصادی مذکور، دولت ایران پیشنهاد اعطاء یک کمک ۲۰۰ میلیون دلاری را از طریق سازمان بین‌المللی کار به افغانستان ارائه کرد. هدف از این کمک، آموزش نیروی کار متخصص جهت بهبود وضعیت اشتغال در افغانستان بود. ۵. پرورش نیروی کار متخصص در افغانستان می‌توانست به حضور پررنگ کارشناسان شوروی در افغانستان تا حدی خاتمه بخشد و به این ترتیب از میزان نفوذ شوروی در افغانستان بکاهد.

چهارمین اجلاس کمیسیون مشترک اقتصادی و بازرگانی دو کشور در ۱۳۵۶ ش/۱۹۷۷ م، در تهران تشکیل شد. هیئت‌های دو کشور آخرین گزارش‌ها و مطالعات تحقیقاتی در مورد پروژه‌های توافقی را مورد بررسی قرار دادند. در پایان اجلاس طرفین توافق نمودند که پنجمین اجلاس کمیسیون مشترک، سال بعد (۱۳۵۷ ش/۱۹۷۸ م) در کابل برگزار شود. ۶. اجلاسی که به دلیل کودتای ثور خلقی‌ها و حذف محمد داوود خان، هرگز برگزار نگردید.

### سفر دوم محمد داوود خان به اتحاد شوروی و تأثیر آن در سرکوب حزب دموکراتیک خلق

تشدید خفقان سیاسی در کشور باعث شد تا جناح‌های خلق و پرچم، حوزه فعالیت‌های حزبی‌شان را تغییر دهند و از فعالیت‌های علنی به فعالیت‌های سرّی روی آورده و بر گسترش شاخه نظامی حزب بیشتر تأکید ورزیدند. از طرفی سران حزب، مناسب‌ترین راه حل جهت بقای حزب را در وحدت دو جناح یافتند. در چنین شرایطی، محمد داوود خان برای بار دوم در ۲۳ فروردین (حمل) ۱۳۵۶ ش/۱۲ آپریل

راه می‌یافتند. ۱. اعتقاد محمد داوود خان در مورد تک حزبی شدن کشور این بود که شرایط فرهنگی، اجتماعی و غیره کشور برای فعالیت‌های احزاب مساعد نیست، بنابراین تا زمان آماده شدن شرایط، بهترین راه همان تک حزبی بودن کشور است که از اغتشاش و هرج و مرج در جامعه جلوگیری می‌کند. در واقع محمد داوود خان خواهان اعمال نظارت شدید بر جامعه بود، با اعمال سیاست سخت‌گیرانه می‌توانست از قدرت و نفوذ احزاب چپ چون خلق و پرچم و روشنفکران چپ‌گرایی که وابسته به نفوذ شوروی در کشور بودند، بکاهد. محمد داوود خان که بر جلب کمک‌های مادی از کشورهای منطقه بویژه ایران امیدوار شده بود، با اعمال سیاست‌های مذکور در کاهش نفوذ شوروی و حذف و سرکوب روشنفکران چپ‌گرا، مصمم شد.

همزمان با گسترش اقدامات محمد داوود خان در جهت سرکوب و حذف چپی‌ها در کشور، همکاری‌های اقتصادی ایران و افغانستان در حال گسترش بود. جهت عملی شدن طرح‌های مورد توافق در پروتکل اقتصادی سال ۱۳۵۳ ش/۱۹۷۴ م، که دولت ایران پیشنهاد اعطای یک وام ۷۰۰ میلیون دلاری را داد، دومین اجلاس کمیسیون مشترک اقتصادی و بازرگانی در ۱۳۵۴ ش/۱۹۷۵ م، متشکل از وزرای بازرگانی و برنامه‌ریزی دو کشور در تهران برگزار شد.

در این اجلاس آخرین گزارش‌های اقتصادی و فنی طرح‌های مورد توافق با همکاری‌های صنعتی در زمینه نساجی و سیمان، تولید شکر، بندهای ذخیره آب در حوزه هیرمند و احداث راه یخچال - دیشو تا مرزهای ایران، مورد بررسی قرار گرفت و پیشنهادات افغانستان در مورد احداث راه آهن کابل - قندهار - هرات، توسعه مبادلات بازرگانی میان دو کشور و احداث کارخانه ذوب آهن، مقرر شد تا در آینده مطالعات و بررسی‌های بیشتری انجام گیرد.

۲. در ارتباط با احداث راه آهن مذکور، طرح پیشنهادی ایران شامل یک خط اصلی به طول ۱۲۰۰ کیلومتر بود که تهران و کابل را به یکدیگر متصل می‌کرد. از این خط اصلی دو مسیر فرعی نیز منشعب می‌شد که یکی به طرف شهر کویته در پاکستان امتداد می‌یافت و دیگری به طرف بندرعباس در خلیج فارس منتهی می‌شد. هزینه مجموع خطوط راه آهن پیشنهادی که به طول ۱۸۰۰ کیلومتر می‌رسید. بر اساس محاسبات اولیه در حدود یک میلیارد دلار را شامل می‌شد. ۳. در سال بعد، ۱۳۵۵ ش/۱۹۷۶ م، سومین اجلاس کمیسیون

۴. بی‌نا، اسناد و معاهدات دو جانبه ایران با سایر دول، سند شماره ۷۲، ص ۱۶۶-۱۷۰.

۵. مرکز اسناد وزارت خارجه ایران، کارتن ۳۸۲، پرونده ۳۱، سند ۶۲، گزارشات سالیانه ۱۳۵۵.

۶. بی‌نا، اسناد و معاهدات دو جانبه ایران با سایر دول، سند شماره ۷۳، ص ۱۷۶-۱۷۳.

۱. محمد علم فیض‌زاد، جرگه‌های بزرگ ملی افغانستان، ص ۳۲۰.

۲. بی‌نا، اسناد و معاهدات دو جانبه ایران با سایر دول، سند شماره ۷۱، ص ۱۶۰-۱۶۳.

۳. مرکز اسناد وزارت خارجه ایران، کارتن ۳۸۶، پرونده ۸۹، سند ۴۵، گزارشات سالیانه ۱۳۵۵.

تشدید سخت‌گیری‌ها، کنفرانس وحدت را برگزار کردند (۱۳۵۶ ش/۱۹۷۷ م)، دو جناح پس از ۱۰ سال انشعاب، دوباره متحد شدند. در دوران وحدت، طبق دستورات حزبی، شاخه نظامی دو جناح جهت برخورد با حکومت، به حالت آماده باش درآمد. ۷ ترور میر اکبر خیبر (۲۸ فروردین (حمل) ۱۳۵۷ ش/۱۷ آپریل ۱۹۷۸ م)، برخورد حکومت با حزب خلق را سریعتر کرد. عاملین ترور میر اکبر خیبر مشخص نشدند، اما حکومت افغانستان مورد سوءظن بود که در ترور وی دست داشته است. در مراسم تدفین میر اکبر خیبر، ۱۰ تا ۱۵ هزار از هواداران چپ و اعضاء حزبی شرکت کردند. سخنرانی‌های تند و انتقاد آمیز ببرک کارمل ۹ و نور محمد تره کی ۱۰ که

۷. سرهنگ پیکوف و سرهنگ نیکیتینکو و سرهنگ تیگین و سرهنگ شویدف، جنگ در افغانستان، ص ۶۳.

۸. میر اکبر خیبر، نظریه پرداز و تئورسین حزب دموکراتیک خلق افغانستان بود. وی تحصیلات دانشگاهی اش را در دانشکده افسری به پایان رساند و سپس در آکادمی پلیس به عنوان استاد مشغول به تدریس شد. در ۱۳۲۹ ش/۱۹۵۰ م، به جرم اخلاص و آشوبگری زندانی شد. در زندان با ببرک کارمل آشنا گردید. او در هنگام تاسیس حزب دموکراتیک خلق ۱۳۴۳ ش/۱۹۶۴ م، از موسسین حزب بود که به دلیل محبوبیتی که در میان هم حزبی‌هایش داشت و چون از قدیمی‌ترین نظریه پردازان کمونیستی بود، او را استاد خطاب می‌کردند. در هنگام انشعاب حزب دموکراتیک خلق، به جناح پرچم پیوست. میر اکبر خیبر که مسئول شاخه نظامی جناح پرچم بود، در جذب نظامیان به حزب تلاش‌های بسیاری کرد. در دوران حکومت داوود، زمانی که سخت‌گیری‌ها بر خلق و پرچم تشدید شد، محمد داوود خان با تصویب قانون اساسی جدید و تک حزبی اعلام کردن کشور، خواهان انحلال احزاب گردید. میر اکبر خیبر نیز خواهان انحلال حزب و پیوستن به حکومت شد. این خواسته وی باعث مخالفت‌ها و کنورت‌هایی درون حزب شد. سرانجام پس از مدتی میر اکبر خیبر توسط افراد ناشناس ترور شد. دستگیر

پنجشنبه، ظهور و زوال حزب دموکراتیک خلق افغانستان، ج ۲، ص ۵۹.

۹. ببرک کارمل یکی از بنیانگذاران حزب دموکراتیک خلق افغانستان بود. وی در دوران دانشجویی از فعالان سیاسی و از منتقدین حکومت بود که به مدت سه سال (۱۳۳۵-۱۳۳۲ ش/۱۹۵۶-۱۹۵۳ م)، زندانی شد. با آغاز دهه دموکراسی که حزب دموکراتیک خلق افغانستان تاسیس شد، ببرک کارمل از موسسین حزب بود. اما به دلیل اختلافاتی که با نور محمد تره کی بر سر مسائل غیر ایدئولوژیک پیش آمد، اختلافات قومی، تاکتیکی و غیره، حزب دچار انشعاب شد و ببرک کارمل در راس جناح پرچم قرار گرفت. در سال‌های انشعاب، ببرک کارمل به عنوان نماینده مردم کابل در مجلس شور (پارلمان) انتخاب شد. در دوران حکومت جمهوری محمد داوود خان که نظامیان پرچمی محمد داوود خان را در کودتا یاری رساندند، میزان نفوذ پرچمی‌ها در حکومت محمد داوود خان افزایش یافت، اما تغییر سیاست محمد داوود خان باعث وحدت دوباره دو جناح به رهبری نور محمد تره کی گردید. سلطان علی کشتمند، یادداشتهای سیاسی و رویدادهای تاریخی، ج ۱، (بی‌جا: انتشارات لانگ کوم، ۲۰۰۲)، ص ۲۹۹.

۱۰. نور محمد تره کی از موسسین و رهبر حزب دموکراتیک خلق افغانستان بود. وی تحصیلات دانشگاهی نداشت. او پس از طی کردن دوره مکتب (ابتدایی و راهنمایی) برای کار به قندهار و بمبئی رفت. نور محمد تره کی با یادگیری زبان انگلیسی مدتی را در وزارت خانه‌های مختلف دولتی مشغول به کار شد و سرانجام به عنوان وابسته مطبوعاتی سفارت افغانستان در واشنگتن انتخاب گردید، اما بزودی به داخل کشور فرا خوانده شد و پس از آن دفتر ترجمه نور را در کابل افتتاح کرد. در ۱۳۴۳ ش/۱۹۶۴ م، با تاسیس حزب دموکراتیک خلق افغانستان، به عنوان رهبر حزب انتخاب شد. با انشعاب ببرک کارمل از حزب، جناح نور محمد تره کی به خلق که نام نشریه‌شان بود، معروف گردید. نور محمد تره کی در دوران حکومت جمهوری داوود سعی کرد تا به حکومت نزدیک

۱۹۷۷ م، به شوروی سفر کرد. هدف از سفر محمد داوود خان، اتمام حجت با سران شوروی بود، از زمانی که محمد داوود خان اقدام به تصفیه حکومت از عناصر چپ کرد، سران شوروی با ارسال پیام‌هایی به محمد داوود خان، وی را از حذف عناصر دموکراتیک از حکومت، بر حذر داشتند. محمد داوود خان را بیشتر نسبت به حمایت‌های سران شوروی از این احزاب مشکوک کرد. محمد داوود خان گسترش انتقادات و مخالفت‌های سران خلق و پرچم را که همراه با توصیه‌های سران شوروی به محمد داوود خان مبنی بر ابقاء و مشارکت این نیروهای دموکراتیک در حکومت بود را به معنای همکاری و حمایت این دو گروه از یکدیگر تلقی کرد، به عبارتی محمد داوود خان می‌اندیشید که در اثر حمایت‌های سران شوروی از سران خلق و پرچم و روشنفکران چپ‌گرا است که آنها به مخالفت‌های شدید خود با حکومت وی ادامه می‌دهند. بنا بر این محمد داوود خان جهت حل این قضیه، در سفرش به شوروی (۱۳۵۶ ش/۱۹۷۷ م) خواهان ملاقات خصوصی با برژنف شد؛ اما پیش از تشکیل جلسه درخواستی، برژنف در یکی از مهمانی‌ها، وی را مورد خطاب قرار داد و پرسید چرا افغان‌ها، کارشناسان ناتو را در مرزهای شمال افغانستان در جوار شوروی، جای داده‌اند. اعتراض برژنف بر سیاست خارجی محمد داوود خان که دیگر آنرا مانند گذشته نمی‌دانست، باعث خشم آنی محمد داوود خان شد. وی در حالی که عصبانیت‌اش را نشان می‌داد، بیان کرد: «افغانستان اگر لازم باشد فقیر خواهد ماند. اما در عمل و تصمیم‌گیری خود آزادی خود را حفظ خواهد کرد.» ۵۸ من اجازه دخالت به خارجی‌ها را در کشور نمی‌دهم، به این ترتیب جلسه را ترک کرد. ۶ بعد از ختم پیش از موعد سفر، اعلامیه مشترک افغانستان و شوروی طبق معمول در مطبوعات منتشر شد که تغییر فاحشی را در روابط دو کشور نشان نمی‌داد، اما بعد از مدتی خبرهای مشاخره محمد داوود خان و برژنف در تمام کشور منتشر شد.

محمد داوود خان پس از بازگشت از شوروی، در سرکوب و حذف چپی‌ها مصمم‌تر شد، سران خلق و پرچم با مشاهده

۱. محمد داوود خان در ۱۴ خرداد (جوزا) ۱۳۵۳ / جون ۱۹۷۴، یکسال پس از کسب قدرت به شوروی سفر کرد. وی مورد استقبال سران شوروی قرار گرفت و مناسبات اقتصادی بیش از گذشته توسعه یافت. در این سفر توافقات اقتصادی مهمی میان دو کشور منعقد شد که از آن جمله: کمک مالی به ۲۱ پروژه اقتصادی از جانب شوروی و تعویق باز پرداخت وام یکصد میلیون دلاری شوروی از ۱۳۵۴ ش/۱۹۷۵ م، به ۱۰ سال بعد. راتل، مناسبات افغان-شوروی (۱۹۵۳-۱۹۷۸) (کابل: بی‌نا، ۱۹۸۸)، ص ۳۹-۴۰.

۲. و. پلاستون و اندریانوف، افغانستان در منگنه ژئوپولیتیک، ص ۱۴۰.

۳. عبدالصمد غوث، سقوط افغانستان، ص ۲۳۰.

۴. همان، ص ۲۳۲.

۵. محمد اعظم سیستانی، مقدمه‌ئی بر کودتای ثور و پیامدهای آن، ص ۷۴.

۶. عبدالصمد غوث، سقوط افغانستان، ص ۲۳۹-۲۳۸.

شروع کودتا را که نظامیان برای آن آماده بودند، صادر کرد. کودتا در هفتم ثور آغاز شد که با آزادی سران حزب و قتل محمد داوود خان در هشتم ثور، به پیروزی رسید.

### نتیجه گیری

در تحولات منطقه ای و جهانی دهه ۱۳۵۰ ش/۱۹۷۰م، تغییرات عمده ای رخ داد، جنگ سرد وارد مرحله جدیدی از رقابت ها گردید. بر اساس این رقابت ها، نقش منطقه ای ایران در حوزه خلیج فارس و کشورهای همسایه آن، گسترش یافت. ایران که در دسته بندی های رقابتی در بلوک غرب قرار داشت، خواهان گسترش نفوذ و قدرت نظامی - سیاسی خود در منطقه گردید. همزمان با قدرت گیری ایران در منطقه، در افغانستان دهه ۱۳۵۰ ش/۱۹۷۰م، محمد داوود خان با کودتا قدرت را بدست گرفت. در حکومت محمد داوود خان، نفوذ عناصر چپ و روابط با شوروی و بلوک شرق به یکباره گسترش یافت. شاه ایران که توسعه نفوذ و قدرت عناصر چپ و شوروی ها را در جوار مرزهای شرقی حکومت خود، تهدیدی در راستای تثبیت قدرت منطقه ای خود قلمداد می کرد، بر آن شد از طریق توسعه روابط اقتصادی و حمایت های اقتصادی چشم گیر، محمد داوود خان را از گرایش بیشتر به شوروی و وابستگی به عناصر چپ در سیاست داخلی باز دارد. وعده های شاه ایران در عرصه توسعه مناسبات اقتصادی به محمد داوود خان باعث گردید، وی در تمایلات چپ گرایانه ی خود در سیاست داخلی و خارجی تجدید نظر نماید. حذف عناصر چپ و محدود شدن دامنه روابط خارجی افغانستان با بلوک شرق و در راس آن شوروی، نگرانی عناصر چپ را از تغییر رویه محمد داوود خان در سیاست داخلی و خارجی اش برانگیخت. عدم آگاهی محمد داوود خان از افزایش قدرت عناصر چپ در داخل کشور، باعث گردید با دستگیری سران حزب دموکراتیک خلق، کودتای خلقی ها عملی گردد و حکومت محمد داوود خان ساقط گردید.

شده بودند، قرار می دهد و به این ترتیب کودتای هفت ثور خلقی ها به پیروزی می رسد. لودویک دلبیو آدامک، دانشنامه تاریخی افغانستان، ص ۲۴۴-۲۴۵.

حکومت را مورد خطاب قرار دادند، باعث شد تا شش روز بعد، در ششم ثور، حکم دستگیری سران حزب خلق از جانب محمد داوود خان صادر شود. دستگیری سران حزب (۶ اردیبهشت (ثور) ۱۳۵۷ ش/ ۲۶ آپریل ۱۹۷۸ م) که آخرین نفرشان، حفیظ الله امین بود، باعث شد تا برخورد نظامی حزب با حکومت عملی گردد. حفیظ الله امین در هنگام بازداشت خانگی، نقشه کودتا را طراحی کرد و سید محمد گلابزوی ۲ پس از دریافت نقشه، فرمان

شود، اما مورد توجه محمد داوود خان قرار نگرفت، در مقابل نور محمد تره کی فعالیت های حزبی را در بخش نظامی گسترش داد، با تشدید سخت گیری های حکومتی و تصویب قانون اساسی جدید، نور محمد تره کی که تنها راه بقا حزب و عناصر چپ را در کسب قدرت سیاسی می دید به جناح نظامی حزب، آماده باش نظامی را جهت برخورد با حکومت در یک فرصت مناسب صادر کرد.

Anthony Arnold, Afghanistan's two-party communism parchment and khalq, (u.s.a: hoover institution press, 1983), p.17

۱. حفیظ الله امین در تربیت معلم «دارالمعلمین» کابل تحصیل کرد، سپس جهت ادامه تحصیل به آمریکا رفت. در آمریکا در اتحادیه دانشجویان افغان دانشگاه کلمبیا به مقام ریاست این اتحادیه دست یافت. پیش از اتمام تحصیلاتش به افغانستان بازگشت. نور محمد تره کی قبل از بازگشت امین، تبلیغات جهت ورود وی را به حزب دموکراتیک خلق فراهم کرد. حفیظ الله امین با حمایت نور محمد تره کی به شاخه نظامی حزب پیوست، با انشعاب حزب دموکراتیک به دو جناح خلق و پرچم، حفیظ الله امین مسئول شاخه نظامی جناح خلق شد. حفیظ الله امین در دوران انشعاق حزب در انتخابات دور سیزدهم مجلس شور (پارلمان) ۱۳۴۸ ش/ ۱۹۶۹م، شرکت کرد و به عنوان نماینده مردم پغمان به مجلس شور (پارلمان) راه یافت. در هنگام حکومت جمهوری محمد داوود خان، پس از آن که محمد داوود خان در سیاست داخلی و خارجی اش به جانب غرب و بلوک غرب متمایل شد، حفیظ الله امین با اطلاع نور محمد تره کی بر نظامی کردن حزب تاکید بیشتری کرد. با وحدت دو جناح خلق و پرچم، شاخه های نظامی دو جناح همچنان به طور مستقلانه به فعالیت های خود ادامه دادند. حفیظ الله امین که نظامیان حزبی را جهت برخورد با حکومت به حالت آماده باش در آورده بود، شبی که سران حزب دستگیر و زندانی شدند، حفیظ الله امین توانست با ارسال نقشه کودتا به سید محمد گلابزوی کودتا را عملی گرداند. محمد اکرام اندیشمند، حزب دموکراتیک خلق افغانستان کودتا حاکمیت و فروپاشی، (کابل: انتشارات میوند، ۱۳۸۸)، ص ۵۸.

۲- سید محمد گلابزوی تحصیلات دانشگاهی خود را در آکادمی نظامی و دانشکده هوایی اتحاد جماهیر شوروی به پایان رساند. او پس از بازگشت به افغانستان وارد دوی نظامی در شاخه نظامی پرچم عضو گردید. در کودتای محمد داوود خان علیه ظاهر شاه شرکت کرد. زمانی که محمد داوود خان سیاست خود را در رابطه با عناصر چپ تغییر داد، نظامیان خلق و پرچم با دستورات حزبی به حالت آماده باش نظامی در آمدند. با دستگیری سران حزب توسط حکومت، حفیظ الله امین نقشه کودتا را از طریق پسرش به سید محمد گلابزوی ارسال کرد. سید محمد گلابزوی نقشه کودتا را در اختیار نظامیانی که از قبل هماهنگ

## فهرست منابع فارسی

- آدامک، لودویگ دبلیو. دانشنامه تاریخی افغانستان. ترجمه سید محمد علی رضوانی و محمد تقی مناقبی. کابل: مطبعه بلخ، (۱۳۸۸).
- اندیشمند، محمد اکرام، حزب دموکراتیک خلق افغانستان کودتا حاکمیت و فروپاشی. کابل: انتشارات میوند، (۱۳۸۸).
- اتل، ر. مناسبات افغان- شوروی (۱۹۵۳-۱۹۷۸). کابل: بی‌نا، (۱۹۸۸).
- بی‌نا. اسناد و معاهدات دو جانبه ایران با سایر دول. تهران: واحد نشر اسناد (۱۳۷۰). ج ۳.
- بی‌نا. اسناد لانه جاسوسی آمریکا. تهران: جهان کتاب، (۱۳۷۹). ج ۹.
- پلاستون، و و اندریانوف. افغانستان در منگنه ژئوپولیتیک. ترجمه عزیز آریانفر. ج ۲. پیشاور: انتشارات میوند، (۲۰۰۱).
- پنجشیری، دستگیر، ظهور و زوال حزب دموکراتیک خلق افغانستان، ج ۳. پیشاور: نشراتی فضل، (۱۳۷۷).
- پیکوف، سرهنگ و سرهنگ نیکیتینکو و سرهنگ تیگین و سرهنگ شویدف. جنگ در افغانستان. ترجمه عزیز آریانفر. پیشاور: مرکز نشراتی میوند، (۱۹۹۹).
- د افغانستان کالی (سالنامه افغانستان) (کابل: مطبعه دولتی، ۱۳۵۳)، شماره ۴۰ (۱۳۵۲ ش).
- داویدف، آ. د. افغانستان مسائل جنگ و صلح. ترجمه عزیز آریانفر. تهران: نشر اندیشه، (۱۳۷۸).
- ستانیزی، شاه زمان و ریج. سهل انگاری محمد داود خان. ج ۴. کابل: انتشارات الازهر، (۱۳۸۹).
- سیستانی، محمد اعظم. مقدمه‌ئی بر کودتای ثور و پیامدهای آن. ج ۲. بی‌جا: اداره دارالنشر افغانستان، ۲۰۰۰.
- شولزینگر، رابرت د. دیپلماسی آمریکا در قرن بیستم. ترجمه محمد رفیعی مهر آبادی. ج ۳. تهران: انتشارات وزارت خارجه، (۱۳۸۹).
- عظیمی، محمد نبی. اردو و سیاست (در سه دهه اخیر افغانستان). ج ۳. پیشاور: انتشارات میوند، (۱۳۷۸).
- غبار، میر غلام محمد. افغانستان در مسیر تاریخ. قم: دارالتفسیر، ۱۳۹۰. ج ۳.
- غوث، عبدالصمد. سقوط افغانستان. ترجمه محمد یونس طغیان ساکایی. ج ۲. پیشاور: نشر قصه خوانی، (۱۳۷۸).
- فرهنگ، میر محمد صدیق. افغانستان در پنج قرن اخیر، ج ۲. تهران: انتشارات عرفان، ۱۳۸۰. ج ۲.
- فیض زاده، محمد علم. جرگه‌های بزرگ ملی افغانستان (لوی جرگه‌ها). لاهور: بی‌نا، ۱۳۶۸.
- کشمند، سلطانعلی. یادداشت‌های سیاسی و رویدادهای تاریخی، ج ۱. بی‌جا: انتشارات لانگ کوم، (۲۰۰۲).
- کشکی، صباح الدین. دهه قانون اساسی. ج ۲. پیشاور: انتشارات میوند، (۱۳۸۴).
- لیاخفسکی، الکساندر. توفان در افغانستان. ترجمه عزیز آریانفر. ج ۱. پیشاور: انتشارات میوند، (۱۹۹۹).
- مبارز، عبدالحمید. تحلیل واقعات سیاسی افغانستان ۱۹۱۹-۱۹۹۶ م. ج ۲. پیشاور: انتشارات میوند، (۱۳۷۷).
- مرکز اسناد وزارت خارجه ایران، کارتن ۳۶۷، پرونده ۱۴۱، سندهای ۹ و ۸، گزارشات سالیانه (۱۳۵۲).
- مرکز اسناد وزارت خارجه ایران، کارتن ۳۷۳، پرونده ۸۲، سند ۱۵۷، گزارشات سالیانه (۱۳۵۳).
- مرکز اسناد وزارت خارجه ایران، کارتن ۳۸۶، پرونده ۸۹، سندهای ۱/۴۳ و ۴۵، گزارشات سالیانه (۱۳۵۵).
- مرکز اسناد وزارت خارجه ایران، کارتن ۳۸۲، پرونده ۳۱، سند ۶۲ گزارشات سالیانه (۱۳۵۵).
- مهدوی، عبدالرضا هوشنگ. سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی ۱۳۵۷-۱۳۰۰. ج ۹. تهران: نشر بیکان، (۱۳۹۱).
- هابسام، اریک، عصر نهایت‌ها: تاریخ جهان ۱۹۱۴-۱۹۹۱، ترجمه حسن مرتضوی، ج ۳. تهران: انتشارات آگاه، (۱۳۸۸).
- هارون، الف. داوود خان در چنگال ک. ج. ب. ترجمه حامد. ج ۳. پیشاور: انتشارات میوند، (۱۳۷۴).
- «متن بیانیه بناغلی رئیس دولت و صدراعظم خطاب به مردم» روزنامه انیس، ش ۳۳۱ (شنبه ۱۳ ثور ۱۳۵۴).
- Arnold, Anthony. Afghanistan, the soviet invasion in perspective. India: hoover press publication, 1978.
- Arnold, Anthony. Afghanistan's two\_ party communism parcham and khalq. u.s.a: hoover institution press, 1983.
- Mitrokhin, Vasilii. The KGB in Afghanistan. Introduced and edited by Christian F.Ostermann and Odd Arne Westad. Washington, D.C: Woodrow Wilson International Center for Scholars, 2002.
- (accessed 27/7/2011)